



بررسی برخی از دیدگاه تفسیری و فقهی سید کمال حیدری درباره جایگاه زن در اسلام و ارزیابی آن براساس دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی

مریم ملک پور^۱

۱- دانشجوی ارشد رشته شیعه شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (ع) Entezare_javdane@yahoo.com

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی کامل

دریافت: ۲۷ فروردین ۱۴۰۳

پذیرش: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

ارائه در سایت: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

کلید واژگان:

حقوق زنان

سید کمال حیدری

علامه طباطبایی

حق طلاق

زنان ناقص العقل

چکیده

زنان، به عنوان نیمی از جامعه انسانی و نیز به عنوان یکی از دو رکن پدیدآورنده بنیان خانواده، نقشی اساسی در جوامع بشری دارند؛ از این رو، حقوق مربوط به آنان نیز بسیار قابل توجه است. در این میان، هر چند دیدگاه اسلام و قرآن به زن یک نگاه انسانی است، اما چنان که تاریخ گواهی می دهد در گذشته، بسیاری از حقوق اینان، با سلطه فرهنگ مردسالاری تضییع شده است. در این میان اندیشوران اسلامی رویکردهای متفاوتی در حوزه مطالعات و حقوق زنان دارند: جریان عقلانی که تلاش می کند تفاوت ها را تبیین نماید و نگاه سنتی را موجه جلوه دهد که علامه طباطبایی در این گروه قرار دارد. گروهی نیز رویکرد نواندیشانه دینی دارند که بسیاری از تفاوت ها را نپذیرفته و به بازخوانی و بازنگری احکام و حقوق زنان با تکیه بر آیات و روایات پرداخته اند، که سید کمال حیدری یکی از آنان می باشد. بیان و اشاعه نظرات گروه دوم موجب تحولی عظیم در حقوق زنان و افزایش روزافزون تمایل زنان به دین اسلام می گردد و افزایش زنان مسلمان به عنوان پرورش دهنده اصلی نسل بشریت، گسترش دین اسلام را به ارمغان می آورد. این تحقیق به شیوه توصیفی تحلیلی و به روش کتابخانه ای، دیدگاه های سید کمال حیدری را در چهارحوزه ۱- جواز یا عدم جواز مرجعیت زنان ۲- مرد محور بودن یا نبودن خطاب های قرآنی ۳- حق طلاق ۴- روایات نکوهش گر زنان مانند روایات دال بر ناقص العقل بودن زنان، آفرینش زن از مرد و آفرینش زن به خاطر مرد، با توجه به دیدگاه علامه طباطبایی مورد نقد و بررسی قرار داده است.

Examining some of Seyed Kamal Heydari's interpretive and jurisprudential views on the position of women in Islam and evaluating it based on the interpretive view of Allameh Tabatabai

Maryam Malekpour¹

1- senior student of Shia studies, Isfahan University, faculty of theology and ahl al-Bayt education. Entezare_javdane@yahoo.com

Article Information

Original Research Paper

Received 15 April 2024

Accepted 29 April 2024

Available Online 05 May 2024

Keywords:

Women's rights

Seyyed Kamal Heydari

Allameh Tabatabai

divorce right

Defective women

Abstract

Women, as half of human society and also as one of the two pillars of the family, play an essential role in human societies; hence, their rights are also very important and significant. Meanwhile, although the view of Islam and the Qur'an on women is a human view, as history testifies in the past, many of their rights have been violated by the domination of patriarchal culture. But in the meantime, Islamic thinkers have different approaches in the field of women's studies and rights: the intellectual current that tries to explain the differences and justify the traditional view that Allameh Tabatabai is in this group. Another group has a new religious approach that has not accepted many differences and has re-read and revised the rules and rights of women based on verses and hadiths, one of which is Seyyed Kamal Heydari. The expression and dissemination of the views of the second group causes a great change in women's rights and the increasing desire of women to convert to Islam, and the increase of Muslim women as the main educator of the human race, brings the spread of Islam. This research, in a descriptive-analytical method and in a library method, examines the views of Seyyed Kamal Heydari in four areas: 1- Permission or non-permission of women's authority 2- Masculinity or absence of Quranic sermons 3- Right to divorce 4- Condemning narrations of women such as Dal narrations He has criticized the imperfection of women, the creation of women from men and the creation of women for the sake of men, according to Allameh Tabatabai's point of view.

۱- مقدمه

واحدند و اعتبار ندارند. سید کمال حیدری به تساوی حقوق زن و مرد اعتقادی ندارد و از این نظر با علامه طباطبایی موافقت، اما علامه طباطبایی اعتقاد دارند که فطرت انسان غیرقابل تغییر است، پس حقوق انسان ها هم غیرقابل تغییر است و اختلاف حقوقی زن و مرد از اختلاف تکوینی آن دو نشأت می گیرد (طباطبایی). اما به نظر سید کمال حیدری باید متناسب با زمان و مکان، حقوق جدیدی تعریف شود و حقوق بیان شده در زمان پیامبر مانند چند همسری و حق طلاق، به خاطر جایگاه زن در بین اعراب بوده است؛ در حالی که امروز باید حقوق زنان بسط و گسترش یابد و تنها راه پذیرش روایات، عرضه آنها بر قرآن است و بسیاری از روایات در مذمت زنان با آیات قرآن در مورد مقام زن هماهنگی ندارد.

یکی از مباحث اساسی که در جوامع مختلف بشری از ادیان و اقوام گذشته تاکنون به آن توجه شده است، موضوع «حقوق و شخصیت زن» است. با توجه به اینکه زنان اغلب در جوامع مختلف بشری از شأن و حقوق واقعی خود دور مانده اند و حتی در برخی موارد شخصیت و منزلت انسانی آنان بطور کامل زیر پا گذاشته شده و اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی ادعای زنده کردن حقوق زنان را به طور کامل داشته است، به همین دلیل ما بر آن هستیم نظرات موافقین و مخالفین در رابطه با حقوق زنان را بیان کنیم و سپس با نتیجه گیری منطقی این ادعای اسلام را اثبات کرده و اتهام مردسالاری در اسلام را رد کنیم.

۲- بیان مساله

زن موجودی ارزشمند در نظام هستی است. میزان رضایت زن از جایگاه و نقشی که به او داده شده در کارکرد مثبت او در این جایگاه بسیار مؤثر است. رضایت زن موجب ثبات و پایداری بنای خانواده بوده و نقش مؤثری در تربیت فرزند و نسل آینده دارد، پس ایجاد رضایت در زنان باید یکی از اقدامات اصلی جامعه باشد. رفع این ضعف مستلزم نگرش عمیق تر به حقوق زن از دیدگاه اسلام و قرآن است. سید کمال حیدری دارای نظرات بسیار مهم و قابل تأمل درحوزه زنان است که با نظریه غالب در میان عالمان شیعه تفاوت دارد. برخی از دیدگاه های اختصاصی ایشان، عبارتند از:

پیشینه تحقیق

حیدر زاده و باستانی، مقاله ای با عنوان «بررسی جایگاه زنان در اندیشه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان» نگاشتند. دیدگاه علامه طباطبایی، در جایگاه یکی از مهم ترین مفسران شیعی معاصر، از اهمیت و تأثیر بسیار برخوردار است. بررسی نگاه هستی شناختی و انسان شناختی علامه حاکی از آن است که علامه زن را در خلقت موجودی مشابه با مرد برابر با او در شأن و شخصیت انسانی می داند.

امیربیک، در مقاله خود با عنوان «زن در نگاه علامه طباطبایی» سعی دارد که نگاه علامه طباطبایی به زن به عنوان یک انسان را از لایه های آثار ایشان، مورد ارزیابی قرار دهد.

علاسوند لهری، در مقاله اش با عنوان «معیار نابرابری در تعریف عدالت: امری فلسفی یا کلامی؟ بررسی دیدگاه علامه طباطبایی درباره تفاوت حقوقی مرد و زن» را بررسی کرده، که ضمن طرح مبحث به صورت کلی به واکاوی موضوع در بیان علامه طباطبایی در المیزان پرداخته شده است.

مفهوم شناسی

سید کمال حیدری، در سال ۱۳۳۵ هـ ش در کربلای معلی دیده به جهان گشود. از نوجوانی در کنار دروس رسمی به مباحث حوزوی روی آورد. در زمینه اجتماعی و سیاسی نیز فعالیت هایی داشته که منجر به تعقیبشان از سوی رژیم بعث عراق گردید و در نهایت مجبور به ترک وطن شده و در شهر مقدس قم اقامت افکند. ابتدا در کربلای معلی و سپس در نجف اشرف به کسب علم از محضر علماء و فقهای آن روزگار مبادرت ورزیدند.

علامه طباطبائی در سال ۱۲۸۱ هـ ش در تبریز به دنیا آمد. اجداد پدری علامه طباطبایی از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) و ابراهیم بن اسماعیل دیباج و تا ۱۴ پشت او همگی دانشمند و عالم بودند. علامه طباطبائی پس از اتمام اولین مراحل علمی در تبریز، راهی نجف شد و ۱۰ سال در حوزه علمیه نجف به تکمیل معلومات خود در شاخه های مختلف علوم اسلامی پرداخت. در دوران سکونت در قم، یکی از فعالیت های علامه طباطبایی شرکت در جلسات علمی و فلسفی در تهران بود. از جمله آثار ارزشمند ایشان: تفسیر المیزان، کتاب توحید که شامل ۳ رساله است، کتاب انسان که شامل ۳ رساله است، رساله وسائط، رساله الولایه، رساله النبوه و الامامه، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شیعه در اسلام، قرآن در اسلام، وحی یا شعور مرموز، اسلام و انسان معاصر، حکومت در اسلام را می توان نام برد.

۱- مرجعیت دینی زنان، اینکه در حق زنان ظلمی صورت پذیرفته

و منشأ آن مرجعیت مردان است. باید زنان هم به مقام مرجعیت دست یابند تا بتوانند حقوق خود را احقاق نمایند. مشکلات مسائل فقهی و اعتقادی تنها با حضور زنان در جامعه و فیلسوف، مرجع تقلید و متکلم شدن آنها در کنار مردان جبران می شود.

۲- مرد محور نبودن قرآن کریم، به نظر ایشان کاربرد ضمایر و

خطاب های مذکر در قرآن نشان از مرد محور بودن قرآن نیست. در آیات مربوط به خداوند و فرشتگان که ظاهراً خطاب به مذکر است با توجه به اینکه، خدا و فرشتگان مجرد هستند، مذکر و مؤنثی برایشان مطرح نیست. از نظر ایشان، علت اصلی این تقسیم دوگانه، قواعد نادرست سیبویه بوده که در ادبیات تفسیری بر قرآن نیز تحمیل شده است. از نظر سید کمال حیدری قرآن بیشتر از آنکه طرفدار مردان باشد، جانب زنان را گرفته است؛ زیرا ضمایر سه گونه هستند؛ ضمایر مختص مؤنث، ضمایر مشترک بین مؤنث و مذکر و ضمایر غیر مذکر و مؤنث (خدا و فرشتگان).

۳- عدم اختصاص حق طلاق به زنان، از نظر سید کمال حیدری

برای پیشرفت اقتصاد، نیاز است زنان در کنار مردان فعالیت اقتصادی داشته باشند و این همکاری در زمینه اقتصادی، حقوق مشترک برای زنان ایجاد می کند، از جمله این حقوق؛ حق طلاق است. ایشان معتقدند در جامعه امروز به دلیل عواملی چون افزایش روز افزون طلاق، لازم است که علما نگاه نوینی به فقه زنان داشته باشند و حقوق ایشان را که در عصر پیامبر و ائمه به دلیل شرایط اجتماعی امکان اجرای آنها نبود، تحقق بخشند.

۴- عدم اعتبار روایات نکوهش زنان، ایشان بر این باورند روایاتی

که در نکوهش و سرزنش زنان نقل شده مانند ناقص العقل بودن زنان، آفرینش زن از مرد و خلقت زنان برای مردان، غالباً خبر

زن: انسان مقابل مرد، زن گفته می‌شود. واژه دختر بیشتر برای افراد جوان یا نابالغ به کار برده می‌شود و در برابر آن، واژه زن یا بانو برای افراد بالغ استفاده می‌شود.

اسلام، در لغت به معنای تسلیم و گردن نهادن است و با توجه به آن دین اسلام آئینی است که برنامه کلی آن تسلیم شدن انسان است در برابر خدای جهان و با این تعریف همه پیامبران به دین اسلام دعوت می‌نموده‌اند. این مطلب را قرآن نیز تصدیق می‌نماید. (علامه طباطبایی)

ادله مرجعیت زنان از دیدگاه سید کمال حیدری

اولین نکته اساسی این است که ما به مقتضای سیره عقلانی عمل کنیم، در سیره عقلانی بین مرد و زن فرقی نیست و سیره عقلانی بر رجوع فرد نادان به فرد دانا (مطلقاً مرد یا زن) منع نمی‌کند. لازم است به ادله ای که علما در جهت اثبات جواز رجوع فرد نادان و جاهل به فرد عالم و دانا، به آن استدلال نمودند، رجوع نماییم تا ببینیم که این دلیل، خاص است یا عام؟ اگر عدم خاص بودنش اثبات شود، در این صورت به دلیل عام که در فوق ذکر شد جواز تقلید نه تنها برای مردان و جنس مذکر می‌باشد بلکه برای زنان و جنس مؤنث هم می‌باشد و در صورت خاص بودن دلیل فوق، لازم است که مرجع تقلید یا مرجعی که در معارف و علوم دینی به او رجوع می‌شود، مرد و از جنس مذکر باشد. حیدری معتقد است که در قرآن، آیاتی وجود دارد که این موضوع را به راحتی اثبات می‌نماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ ما پیش از تو کسی را برسانت نفرستادیم، مگر مردانی را که به آنان وحی می‌فرستادیم. (و هیچ کدام فرشته یا موجود دیگر نبودند. ای پیامبر به مردم بگو) اگر نمی‌دانید و اطلاع ندارید از اهل کتاب و دانشمندان بپرسید.» (نحل/۴۳)

علامه طباطبایی در ذیل آیه «الرَّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء/۳۴) بر این باور است که اسلام بین مشاغل و جایگاه‌های اجتماعی که متکی بر احساس یا تعقل هستند تفاوت قائل شده است. مثلاً معتقد است ولایت و قضاوت و جنگ که نیاز مبرم به عقل دارد فقط مختص به مردان است زیرا که زنان در تصمیمات خود متکی بر احساسات هستند و برای این مشاغل و جایگاه‌های اجتماعی مناسب نیستند و این قانون قطعی و سنت پیامبر است که زنان را از جنگ و قضاوت و ولایت منع می‌کند. (طباطبایی). علامه در مورد مرجعیت زنان نظری ارائه نداده‌اند ولی طبق آنچه در مورد قضاوت که نقشی نزدیک به مرجعیت دارد بیان نموده‌اند می‌توان استنباط نمود که علامه طبق سنت پیامبر معتقد به اصل تعقل در امر مرجعیت است که زنان به علت غلبه احساسات بر تعقلشان قادر به انجام چنین مسئولیت‌هایی نیستند. «وَمَنْ يَنْشُوا فِي الْجَلْبِيَةِ وَهُوَ فِي الْأَخْصَامِ غَيْرِ مَبِينٍ» (زخرف/۱۸). براساس آنچه علامه در ذیل تفسیر آیه بیان نمودند زنان با مردان در ویژگی‌های طبیعی و فیزیولوژی تفاوت‌های بسیاری دارند و این تفاوت‌ها موجب غلبه احساسات در زنان و غلبه نیروی تعقل در مردان گشته است و با وجود شرط تعقل در مرجعیت می‌توان استنباط نمود که زنان به علت حیات احساسی از نظر طبیعی و فیزیولوژی نمی‌توانند به مقام مرجعیت دست یابند. طبق بررسی در آثار علامه طباطبایی، نتیجه حاصل این است که ایشان در مورد مرجعیت زنان هیچ مبثی را مطرح نکرده‌اند. فقط بر طبق مباحث مطرح شده در ذیل تفسیر آیات در مورد ویژگی‌های فطری زن و مرد مبنی بر حاکمیت عواطف در زنان و ضعف آنان در قدرت تعقل و حاکمیت قدرت عقل در مردان می‌توان نتیجه گرفت که علامه مقام مرجع تقلید را برای زنان جایز نمی‌داند؛ به نظر می‌رسد پس از بررسی نظر سید کمال حیدری و سایر بزرگان هم نظر با ایشان که برای اثبات نظر خود به سیره عقلانی و آیات

نفر، طلب العلم الفریضه و... استناد نمودند می‌توان شبهه مشروعیت مرجعیت زنان را تماماً رفع نمود زیرا که علامه طباطبایی به این مبث مستقیماً اشاره ای نموده و طبق نظر سید کمال حیدری تنها راه حل مسائل زنان حضور زنان در حوزه مرجعیت و استناد احکام توسط زنان با عینکی زنانه می‌باشد.

آیت الله جوادی آملی نیز به استناد به بعضی آیات قرآن در پی آن است که اثبات کند خطاب‌های قرآنی فقط اختصاص به مذکر ندارد اما برای ادعای خود به دلایلی غیر از ادله سید کمال حیدری استناد می‌کند، ایشان معتقدند که گاهی قرآن همین معارف معنوی را با بیان الفاظ صریح ذکر می‌کند تا به ما بفهماند فرهنگ محاوره اعم از مذکر و مؤنث است و اگر یک وقت به نام مرد مطلبی بیان شد منظور مرد در مقابل زن نیست، آیاتی نظیر آیات سوره آل عمران «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مَنْ ذَكَرَ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقَاتَلُوا فَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِمَّنْ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ» (آل عمران/۱۹۵) که در مورد مهاجرت مهاجرین صدر اسلام است از موارد صریح در این معنا است. چون وقتی علی بن ابیطالب (ع) هجرت کرد، فواطم و چند بانوی دیگر هم با حضرت هجرت کردند. گفتن قرآن، چنان که دیده می‌شود گفتمان مردانه است به این معنی که هم موضوع و هم روی سخن با مردان است. البته این بدان معنی نیست که خداوند هرگز از زنان یا با زنان سخن نگفته است، چرا که در مواردی هم از زنان سخن گفته (از جمله مریم، مادر موسی، همسر نوح، همسر لوط، همسر فرعون) و هم با زنان (مانند آیات ۳۰ تا ۳۴ سوره احزاب که خداوند به طور مستقیم همسران پیامبر اکرم (ص) را مورد خطاب و طرف سخن قرار می‌دهد) بلکه مقصود این است که معمول در وحی الهی، توجه به مردان و مسائل مربوط به آنان است، گرچه در مواردی استثنا وجود دارد. در پاسخ به این پرسش که چرا گفتمان قرآن مردانه است، دیدگاه‌های چندی وجود دارد یا می‌تواند داشته باشد که برخی از آنها جنبه زبان شناختی دارد و برخی دیگر جنبه انسان شناختی یا جامعه شناختی دارد. (سید صدر).

دیدگاه نخست: گفته می‌شود واژه‌ها و کلمات مذکر در آیات، از نظر مفهوم، فراگیرتر از مذکر و مؤنث هستند و مصداق‌های هر دو گروه را در بر می‌گیرند. مذکر و مؤنث بودن مصداق، نقش تعیین‌کننده و نهایی در شکل واژه‌ها ندارد؛ واژه مذکر، شامل مؤنث می‌شود مثلاً، در آیه «صَدَقَتْ بِكَلِمَاتٍ رَبِّهَا وَكُتِبَ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ.» (تحریم/۱۲)، درباره حضرت مریم (ع) می‌فرماید: او کلمات پروردگارش را تصدیق کرد و از عبادت پیشگان بود. کلمه «قانتین» در پایان آیه، به معنای عبادت پیشه و اهل قنوت و خشوع و خضوع در برابر خداوند است و این کلمه در آیه به لفظ مذکر به کار رفته.

دیدگاه دوم: نظریه ای مطرح که واژه‌ها چه مذکر و چه مؤنث، هر یک مفهوم خاص خود را دارد، مذکر حکایت از جنس نرینه می‌کند و مؤنث حکایت از جنس مادینه، اما در مقام کاربرد، آن‌گاه که مختلط از زن و مرد حکایت یا خطاب می‌شود، جانب مردان تغلیب و ترجیح داده شده و واژه مذکر به کار می‌رود. (برخی از آیات ظاهراً فقط مردان را مورد خطاب قرار می‌دهد، این امر از باب تغلیب؛ یعنی غلبه در بیان و سخن است، مانند آیات اول سوره مؤمنون که صفات افراد مؤمن را بدین گونه بیان می‌کند: (قد أفلح المؤمنون...)) گرچه این جملات تماماً مذکر هستند، ولی بین مذکر و مؤنث مشترک می‌باشند (جوادی آملی). این نظریه چند ویژگی دارد: ۱- براساس این نظریه مفهوم واژه تغییر نمی‌کند، بلکه مقصود و منظور آن تعمیم داده می‌شود. ۲- این نظریه تنها کاربرد واژه‌های مذکر را در جمع مختلط زن و

مرد توجیه می کند. ۳- بر مبنای این نظریه کاربرد واژه های مذکر برای مؤنث، مجاز است و نه حقیقت؛ زیرا تغلیب نوعی مجاز شمرده می شود.

دیدگاه سوم: نظریه تغلیب به گونه دیگر نیز قابل تبیین است و آن اینکه زبان قرآن، زبان محاوره است و در محاوره جانب مردان بیشتر مورد توجه قرار می گیرد تا زنان و به همین جهت روی سخن هم با مردان می شود.

دیدگاه چهارم: جامعه عرب در عصر نزول جامعه ای مرد سالار بوده است که تنها به مردان و امور مربوط به آنها اهمیت می داد و برای زن جایگاهی قائل نبود و چون قرآن با چنین جامعه ای که همه چیز از مرد و برای اوست، ناگزیر گفتمان نیز مردانه و مردسالارانه شده است. در جامعه ای که حضور اجتماعی مردان بیشتر از زنان است بیشتر حوادث جامعه نیز در مورد مردان اتفاق می افتد. **دیدگاه پنجم:** پنجمین نظریه این است که مردانه بودن گفتمان قرآن، معلول حضور فعال مردان در صحنه زندگی اجتماعی است، به این معنی که از آغاز تاریخ تا زمان نزول قرآن تاکنون، زندگی اجتماعی در ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی، اداری، فرهنگی، با تلاش و تکاپوی مردان شکل می گرفته است و زنان در این زمینه نقش برجسته و چشمگیری نداشته اند.

نظر و ادله سید کمال حیدری در مورد حق طلاق

زن انجام وظایف همسری که یکی از آنها مادر بودن و اداره خانه می باشد را به عهده دارد، ولی مرد فقط بعد اقتصادی را بر عهده دارد. این دلیل باعث می شود که همه کار در دست مرد باشد. مرد همان فرد دستور دهنده و نهی کننده در تدبیر این هسته خانواده می باشد. (حیدری). اصل طلاق مشروعیت دارد. اما در مورد محدود بودن یا مطلق بودن طلاق دو گرایش وجود دارد: **گرایش اول:** رابطه میان مذکر و مؤنث، خانواده را ضمانت می کند و تضمین رابطه خانواده، امری مقدس است و این رابطه مقدس را هیچ کس نمی تواند فسخ کند به جز مرگ. **گرایش دوم:** طبق متون دینی اسلامی، آیات، روایات و دلایل واقعی به این نتیجه می رسیم که فسخ این رابطه طبق آیات قرآن، سیره پیامبر و امامان، سیره فقیه دانان و مسلمنان، اجماع و توافق، امری شرعی می باشد. از مجموع آیات قرآنی درباره طلاق واضح می باشد که قرآن مسئله طلاق و فسخ این رابطه را به صورت قانونی و فقهی تأیید کرده است. به طور مثال در آیات «وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۲۷). سید کمال حیدری در مورد حقوق زنان دو دیدگاه را مطرح می نماید: دیدگاه اول، حقوق زنان را حداکثر چیزی که استحقاقش را داشتند در نظر می گیرد و معتقد است آنچه که لازمه حقوق زنان بوده است به آنها داده شده و حتی در مواردی بیش از آنچه زنان استحقاق داشته اند به آنها اعطا گردیده است. دیدگاه دوم معتقد است حقی که به زنان به عنوان حقوقشان به آنها داده شده است حداقل چیزی که باید داده می شده و آیات قرآن و سنت پیامبر به خاطر شرایط اجتماعی آن زمان کف حقوق را برای زنان در نظر گرفته اند که با پیشرفت علم و تکنولوژی و شرایط اجتماعی و سیاسی و ... همچنین حضور زنان هم پای مردان و نقش سرنوشت سازشان در پیشرفت جامعه همچون مردان باید حقوق جدیدی به وسیله اجتهاد از آیات و روایات برای آنان در نظر گرفت. می توان گفت که علت اصلی بسیاری از طلاق ها در جامعه امروز نیز با این روش مرتفع می گردد؛ زیرا نمی توان برای زن امروز که حق رأی دارد و می تواند هم پای مردان در تمامی قسمت های جامعه حضور فعال و پررنگ داشته باشد، حقوق زنان و دختران جاهلیتی که زنده به گور می شدند را در نظر گرفت. امیر بیکی در مقاله زن در نگاه علامه طباطبایی بیان می کند علامه معتقد است که طلاق در اسلام به دست

مرد سپرده شده و البته در این حکم حالت غریزی مرد و زن در نظر گرفته شده است، زیرا اگر طلاق به دست زن بود، چون زن بیش از مرد مغلوب و اسیر احساسات و عواطف است، رابطه ازدواج پیوسته در حال سستی بود و ارکان خانواده تشکیل یافته متزلزل و به آسانی از هم گسیخته می شد. در شرع اسلام راه هایی وجود دارد که زن در گرفتن طلاق می تواند از آن ها استفاده کند. مانند آن که مشکلات احتمالی را در ضمن معاشرت با همسر خویش پیش بینی کرده، هنگام عقد زناشویی در ضمن عقد، «شرط» کند که اگر یکی از آن مشکلات پیش آمد «وکالت» در طلاق داشته باشد و یا اگر شوهر بدون جهت او را طلاق دهد، ملزم باشد که مشکلات وی را حل کند (امیر بیکی). اعطاء حق طلاق به مردان در شرایط طبیعی، خود راهکاری در راستای حمایت از خانواده و تأمین مصالح آن است. به رسمیت شناختن طلاق در شریعت اسلام بر مبنای عقل و فطرت است و در مورد اینکه طلاق از اختیارات کدامیک از طرفین ازدواج باشد، سه احتمال است. احتمال اول- طلاق را از حقوق هر یک از مردان و زنان بدانیم بدین سان که هر یک از زن و مرد هر موقعی که بخواهند بتوانند پیوند مقدس ازدواج را بگسلند و از یکدیگر جدا شوند. به نظر می رسد اعطاء اختیار طلاق به زن و مرد درست نیست؛ زیرا اولاً، سستی بنیان خانواده را در پی دارد که به مصلحت یک خانواده و اعضای آن نمی باشد، ثانیاً با توجه به قوت عواطف و احساسات در زنان به هر عنوان شرط ضروری بقاء خانواده و تربیت فرزندان، اعطاء حق طلاق به هر یک از زن و مرد باعث افزایش آمار طلاق در جامعه خواهد بود. ثالثاً، مسلم است که تساوی مردان و زنان در استفاده از حق طلاق علیرغم حقوق فراوانی که برای زنان علیه مردان ثابت است نه تنها عدالت محسوب نمی شود بلکه ظلم بزرگی در حق مردان خواهد بود. پس این احتمال که بگوییم طلاق از حقوق مساوی هر یک از زن و مرد باشد، نه تنها در راستای صیانت از حقوق خانواده و تأمین مصالح آن نمی باشد. بلکه برخلاف عدالت نیز خواهد بود. احتمال دوم آن است که بگوییم طلاق در شرایط طبیعی از حقوق اختصاصی زنان می باشد. یقیناً این احتمال نیز به لحاظ قوت عواطف و احساسات در زنان و نیز وجود حقوق فراوان برای زنان علیه مردان به نفع خانواده است و نه بر اساس عدالت. احتمال سوم آن است که طلاق را در شرایط طبیعی از حقوق مردان بدانیم هر چند که زنان نیز در بعضی از شرایط خاص بتوانند از این حق برخوردار باشند. این راهکار، مناسب ترین و منطقی ترین راهکاری است که می تواند ضمن تأمین حقوق طرفین و دیگر اعضای خانواده و در پی داشتن مصالح آحاد جامعه، مقرون به عدالت باشد (فلاح احمد چالی).

نکوهش زنان

سید کمال حیدری باور دارد زنان مانند مردان می توانند در همه حوزه ها فعالیت کنند و هیچ مانعی برای انجام فعالیت آنها وجود ندارد و احادیثی که مبتنی بر ناقص العقل بودن زنان، آفرینش زن از دنده چپ مرد و خلقت زن برای رفع نیاز مرد را که همه مبتنی بر وجود نقص در زنان و مانع بزرگی در رسیدن آنها به حقوق اجتماعی و فردیشان هستند را رد کرده و برای اثبات نظر خود ابتدا نظر موافقین و مخالفین را بیان نموده و سپس با استناد به آیات قرآن احادیث فوق را به طور کامل رد می نماید. از عبدالله بن عمر نقل شده است که رسول خدا فرمود: ای گروه زنان، صدقه بدهید و بسیار طلب مغفرت نمایید، همانا من در شب معراج، شما را اهل آتش مشاهده نمودم، زنی از آنها گفت که ای رسول خدا، چرا ما را اهل آتش مشاهده می نمایی، چرا ما این طور هستیم؟ فرمود: بسیار لعنت و نفرین می نمایید و عشیره و قبیله ای را کفر می گوید و انکار می نماید و اغلب از بین شما زنان را ناقص العقل و ناقص الدین مشاهده نمودم، آن زن گفت: ای رسول خدا، نقصان عقل

گفتم: آنها می گویند که خداوند متعال حواء را از استخوانی از استخوان های آدم خلق نمود، فرمود: آنها دروغ گفتند و سخن آنها درست نیست، آیا خداوند متعال عاجز و ناتوان بود و قدرت آن را نداشت که حواء را از غیر استخوان آدم خلق نماید. (عیاشی). هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ او کسی است که شما را از یک نفس آفرید و زوجش را از آن نفس قرار داد تا این که مرد در نزد زن آرامش خاطر یابد. «(اعراف/۱۸۹). «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» شما را از یک نفس آفرید، سپس از آن نفس، زوج و جفتش را قرار داد. «(زمر/۶) خطاب در این آیه به عموم بشر است. و مراد از "نفس واحده"، به طوری که نظایر این آیه تأیید می کند، آدم ابو البشر است و مراد از "زوجها" همسر اوست که از نوع خود او است. و در انسانیت مثل او است و کلمه "ثم" برای تراخی و تأخر رتبی در کلام است و مراد این است که: خدای تعالی این نوع را خلق کرد و افراد آن را از نفس واحد و همسرش بسیار کرد (طباطبایی).

خلقت زن برای مردان

زنان به عنوان نیمی از جامعه انسانی همواره بخشی از فرازهای مهم تاریخ بشری را به خود اختصاص داده اند، گاهی مظلوم بوده اند و ترحم برانگیز و گاهی افتخارآفرین و حماسه ساز، گاهی فراموش شده و بی تأثیر و گاهی در صحنه، شاهد و تأثیرگذار، اما در مجموع می توان گفت زنان هرگز نتوانسته اند آن طور که سزاوار آن بوده اند، باشند، از این رو احقاق حقوق آنان همواره مورد توجه عدالت خواهان و آرمان طلبان و در رأس آنان ادیان توحیدی و پیامبران الهی بوده است. این روایت طولانی در رابطه با اعتراض پیامبر (ص) بر یهود در مسائل گوناگون ذکر شده است که فرمودند: اگر مردان نبودند، خداوند متعال، زنان را نمی آفریند، زنان برای مردان خلق شده اند، همان طور که این سخن منسوب به کلام خداوند متعال است که فرمود: «مردان، سرپرست و نگهدارنده زنانند، بخاطر برتری هایی که خداوند برای بعضی دیگر قرار داده است». مفسرین با استناد به آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است» (روم/۲۱). با نگاه تفسیری خودشان آفرینش زن به خاطر مرد را بیان می نمایند (حیدری).

۳- نتیجه گیری

امروزه مباحث مربوط به زنان در اولویت قرار دارد، زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه نقش بسیار حیاتی در سلامت روانی جامعه و خانواده دارند. نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است. برای این که زنان، علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را نیز در دامن خودشان تربیت می کنند. آنچه اکنون فقه اسلامی نسبت به زنان بیان می دارد نگاه حداقلی است و به همین دلیل زنان باید تلاش کنند و این نگاه را نسبت به خود تغییر دهند و برای رسیدن به این موضوع باید در مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرکت کنند، و نقش های فعال و مؤثری به دست بیاورند، وقتی زنان در نقش های فعال حضور یابند نقش آفرینی بسیار پررنگ را در نظام اجتماعی دنبال می کنند و این اتفاق نتایج مفیدی دارد که اولین آن نیز تغییر نوع نگاه زنان به خودشان است. طبق بررسی ها: ۱- جواز مرجعیت زنان که طبق بررسی های انجام شده علامه طباطبایی، در مورد مرجعیت زنان هیچ محبتی را مستقیماً مطرح نکرده اند و فقط با بررسی نگاه

و دین چیست؟ فرمودند: اما نقصان عقل، این است که شهادت دو زن، شهادت مردی را اثبات نماید، و این که در بعضی از ایام ماه نماز نمی خوانید و در ماه رمضان افطار می نمایید (بشار عواد). در توضیح این حدیث سید کمال حیدری بیان می کند خداوند متعال به آنها فرمود: در حالت حیض نماز نخوان، اگر به آن زن بگویند: "نماز بخوان"، آن زن نماز می خواند. مانند زمانی که شارع به مسافر می گوید نماز چهار رکعتی را دو رکعتی بخواند در اینجا درست است که نماز چهار رکعتی کامل تر ولی حکم شرع شکسته خواندن نماز است (حیدری). امیرالمومنین (ع)، در نامه ۳۱ به امام حسن (ع) فرمودند: از مشورت با زنان بپرهیز و برحذر باش، زیرا نظر آنها، مایه نقص است و عزم و تصمیم آنها، ضعیف است. از جعفر بن محمد و پدرانش در رابطه با وصیت پیامبر (ص) به امام علی (ع) چنین نقل شده است: ای علی، نماز جمعه برای زنان واجب نیست و نیز عهده دار شدن منصب حکم و قضاوت برای زنان واجب نیست، ای علی اطاعت و بندگی از زن، مایه ندامت و پشیمانی است، ای علی اگر چیزی شوم و ناگوار باشد، آن زبان زنان است. (حرعالملی). «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ؛ مردان سرپرست و نگهدارنده زنانند به سبب این که خداوند برخی از آنها را بر برخی دیگر برتری داد.» (نساء/۳۴). از آن چه علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان کردند چنین نتیجه حاصل می شود که مردان از نظر تکوینی و وجودی بر زنان برتری دارند؛ زیرا عضلات مرد قوی تر است و مستحق و سزاوار شرافت و بزرگی و والایی است. (طباطبایی).

طبق آنچه که بیان شد بسیاری از علما و بزرگان دین با استناد به روایات با ناقص العقل بودن زنان موافق بودند و علامه طباطبایی نیز صراحتاً به امر ناقص العقل بودن زنان اشاره ای ننموده است اما در خلال تفسیر آیات بیان داشتند که به علت غلبه احساسات بر زنان و تصمیم گیری آنها و بررسی سیره رسول خدا مبنی بر عدم واگذاری اموری چون حکومت و قضاوت که نیاز به تعقل دارد به زنان به نوعی حکم به ناقص بودن عقل زنان داده اند. سیدکمال حیدری آنچه در معنای ناقص العقل بودن برخلاف نظر علامه طباطبایی و سایر بزرگان به جز آیت الله جوادی آملی و علامه جعفری بیان نمودند این است که عقل دارای تقسیماتی است و نقص عقل در زنان که در روایات بیان شده، دلالتی بر مذمت و کمبودی در زنان و کمالی برای مردان ندارد؛ زیرا مهم، داشتن عقل عملی است که هر دو گروه دارا هستند و می توانند به مقامات بالای معنوی و تقوا دست یابند.

خلقت زن از مرد

در منابع روایی و تفسیری شیعه و سنی گزارش هایی مبنی بر آفرینش حواء از دنده چپ آدم یا خلقت زن از دنده چپ مرد نقل شده است. در این روایات برخی از احکام فقهی مثل شهادت زن، ارث، طلاق، حجاب و ... نیز بر اساس نحوه خاص خلقت زن توجیه شده است. همچنین برخی از فقهاء در توجیه بعضی از احکام فقهی مربوط به زن به مضمون این روایات استناد کرده اند. از آنجایی که سید کمال حیدری و علامه طباطبایی در مورد رد و نادرستی این حدیث متفق القولند نظرات و ادله هر دو بزرگوار در خلال یکدیگر بیان می شود و نتیجه گیری کلی انجام می گیرد. روایت اول در کتاب الکافی، از ابی عبدالله صادق نقل شده است که فرمود: خداوند متعال، حواء را از آدم خلق نمود (کلینی). امام علی (ع) فرمود: حواء از قصیرا "استخوان کوچک" در کنار آدم خلق شده است و خداوند متعال، جایش را به گوشت تغییر داد (عیاشی). در تفسیر عیاشی در رابطه با آیه اول سوره نساء این چنین روایت شده است: از ابو جعفر (ع) سوال پرسیدم که خداوند متعال حواء را از چه چیزی خلق نمود، فرمود: از هر چیزی که آدم را خلق نمود او را نیز آفرید،

معتقدند که زنان و مردان هر دو ناقص هستند و برای کامل شدن به یکدیگر نیاز دارند.

مراجع

۱. امیربیک، فضیله، (۱۳۹۳): زن در نگاه علامه طباطبایی، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر
۲. بشار عواد، السید أبو المعاطی النوری، محمد مهدی المسلمی، أحمد عبد الرزاق عید، ایمن ابراهیم الزامل، محمود محمد خلیل (۱۴۳۴ق): المسند المصنف المجلد، بیروت، دار الغرب الإسلامی جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶): زن در آئینه جمال و جلال الهی، قم، اسراء
۳. حرعالمی، محمدبن حسن (۱۴۲۳ق): الفوائد الطوسیة، مکتبه المجلاتی چاپ دوم
۴. حیدری اقدم، لیلا ابراهیمی سعید، فرزام ابراهیمی سعید، فرزاد (۱۳۹۹): بررسی فقهی و حقوقی طلاق و تاثیر آن در بزهکاری اطفال بارویکرد روانشناسی، دوره ۴، شماره ۱۳
۵. صدر، سید موسی (۱۳۸۰): فلسفه مردانه بودن گفتمان قرآنی: فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره های ۲۵ و ۲۶.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۲): شیعه در اسلام، گردآورنده: سید هادی خسروشاهی، قم، ناشر بوستان کتاب
۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴): تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی
۸. طهرانی، سید محمدحسین حسینی (۱۳۹۲): مهر تابان، یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه (عالم ربانی علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی)، انتشارات علامه طباطبایی
۹. elasound lebbri فریبا (۱۳۹۶): معیار نابرابری در تعریف عدالت: امری فلسفی یا کلامی؛ بررسی دیدگاه علامه طباطبایی درباره تفاوت حقوقی مرد و زن. نوع مقاله: مقاله پژوهشی، دوره ۴، شماره ۲
۱۰. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰ق): تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمیة
۱۱. فلاح احمد چالی، حسن (۱۳۸۶): فلسفه واگذاری حق طلاق به مردان، دوره یک، حامی دانشگاه آزاد واحد آستارا
۱۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۷): الکافی، قم، دارالحدیث چاپ اول

تفسیری ایشان در ذیل آیات می توان دریافت که با توجه به حاکمیت عواطف در زنان و حاکمیت تعقل در مردان و نیاز مرجعیت به تعقل، زنان در امر مرجع تقلید نمی توانند موفق باشند. ۲- ذکوریت محور بودن خطاب های قرآنی که علامه طباطبایی مستقیماً به این مبحث آیات اشاره ای ننموده اند ولی سایر علما نظرات خود را در قالب پنج دیدگاه فراگیر بودن ضمائر، تغلیب، حضور مردان در جامعه و.. مطرح کردند. ۳- حق طلاق طبق نظر علامه طباطبایی حق طلاق مختص به مرد است زیرا مرد ملزم به دادن نفقه و مهریه است، معمولاً بیشتر عاقبت اندیش و نگران از بین رفتن نکاح است و زن بیش از مرد مغلوب و اسیر احساسات و عواطف است، درحالی که سید کمال حیدری با توجه به رد ناقص العقل بودن زنان و اهمیت شرایط اجتماعی و زمان و مکانمند بودن احکام فقهی معتقد به طلاق دو طرفه هستند. ۴- روایات در مذمت زنان است که شامل روایت ناقص العقل بودن زنان است که علامه طباطبایی نیز صراحتاً به امر ناقص العقل بودن زنان اشاره ای ننموده است اما در خلال تفسیر آیات بیان داشتند که به علت غلبه احساسات بر زنان و حاکم بودن عواطف بر زندگی و بررسی سیره رسول خدا مبنی بر عدم واگذاری اموری چون حکومت و قضاوت که نیاز به تعقل دارد به زنان به نوعی حکم به ناقص بودن عقل زنان داده اند و سیدکمال حیدری آنچه در معنای ناقص العقل بودن برخلاف نظر علامه طباطبایی و سایر بزرگان به جز آیت الله جوادی آملی و علامه جعفری بیان نمودند این است که عقل دارای تقسیماتی است که آنچه روایات بیان نموده اند مبنی نقص آن در زنان نوعی کمبود برای زنان و کمالی برای مردان نیست، زیرا مهم داشتن عقل عملی است که هر دو گروه دارا هستند و می توانند به مقامات بالای معنوی و تقوا دست یابند و حدیث دوم آفرینش زن از دنده چپ مرد است که با بررسی نظرات تفسیری مشترک سید کمال حیدری و علامه طباطبایی می توان به این نتیجه رسید که آفرینش زن از دنده چپ مرد مردود است، زیرا که این نوع آفرینش وارد کردن خدشه به قدرت لا یزال الهی است. و حدیث آخر آفرینش زن صرفاً برای مردان است که علامه طباطبایی و سید کمال حیدری هر دو